**سرمایه فکری**

 **سعید ملایی [[1]](#footnote-1)**

 **عاطفه فرشید مقدم [[2]](#footnote-2)**

# **چکیده**

سرمایه فکری اولین بار در سال 1962 توسط فریتز مچلاپ مطرح شد پس از آن در سال 1969 جان کنت گالبرایت اصطلاح سرمایه فکری را به کار برد در اوايل دهه 1980 ایده عمومی ارزش ناملموس (که اغلب ”سرقفلی“ نامیده می شد) را ایتامی مطرح کرد.نتایج نشان میدهد که در میان اجزاي سرمایه فکري، سرمایه ساختاري کمترین همبستگی و سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی بیشترین همبستگی را دارند. سرمایه فکری به مجموعه‌ای از این دارایی‌های دانشی اطلاق می‌شود که به صورت محسوسی در موقعیت و جایگاه رقابتی رو به رشد سازمان تاثیر می‌گذارد. اجزاي سرمایه فکري در مجموع تغییرات در کیفیت اطلاعات را تبیین می نماید بر این اساس براي محتوی اطلاعات باکیفیت تر ،که منجر به تصمیم گیري مناسب و در نتیجه رونق بازار سرمایه می شود ، سازمان ها باید توجه زیادي به سرمایه فکري به عنوان منبعی نیرومند براي بهبود عملکرد کسب و کار خود داشته باشند. امروزه مدل‌های متعددی برای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری وجود دارند که در این بخش به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. همانطور که گفته شد جهت سنجش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری دو دیدگاه پولی و غیر پولی وجود دارد، به طوری که عموماً روش‌های DIC، MCM و ROA به جنبه‌های پولی سرمایه‌ی فکری می‌پردازند و روش SC به سرمایه‌ی فکری از دیدگاه پولی و غیر پولی اشاره دارد.

# **مقدمه**

دنیا در حال تغییر است. نیک بونتیس در جلسه‌ی افتتاحیه مدیریت جهانی در سال ۲۰۰۰ میلادی بیان نمود که تا سال ۲۰۱۰ میلادی دانش مدون شده‌ی بشری در دنیا هر یازده ساعت دو برابر خواهد شد، که سر و صدای زیادی نیز به پا نمود. ولی چیزی که یقینا مورد نظر آقای بونتیس بود احساس نیاز به تغییرات اساسی بوده است. در محیط تجاری پیچیده‌ی امروزی شرکت‌ها باید انعطاف پذیری، توسعه، نوآوری و روش‌های استراتژی را جهت نیل به اهداف سازمانی شان در پیش گیرند. بسیاری از سازمان‌ها دریافته‌اند اطلاعات نوین که زاده‌ی دانش مِی‌باشد نقش مهم و به سزایی می‌تواند در توسعه و شکوفایی آن‌ها داشته باشد. از دیدگاه ما حسابداران چون بحث سنجش دانش و ارزش‌های ایجاد شده برای شرکت‌هایی که به واسطه‌ی آن باعث حذف برخی از رقبا یا سبقت گرفتن از آنها شده است. مطرح است بنابراین تفاوت ارزش ثبت شده‌ (دفتری) و بازار شرکت مورد توجه قرار می‌گیرد به طور یقین بخش گسترده‌ای از این تفاوت مربوط به دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها می‌باشد، که نه اندازه‌گیری می‌شود و نه مدیریت. زیرا اغلب آن چیزی مدیریت می‌شود که ابتدا مورد سنجش و اندازه گیری قرار گیرد.الگوی رشد اقتصادی به طور چشم‌گیری یا پیدایش جنبه‌های جدیدی از سرمایه و رشد سریع دانش تغییر نموده‌است. دانش جایگاه دارایی‌های پولی. زمین و ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات و موجودی‌های مواد و کالا را به عنوان اصلی ترین دارایی‌های سازمان (به خصوص در بخش خدمات) کم‌رنگ تر نموده است. یک سازمان زمانی‌ می‌تواند در بازارهای رقابتی به تلاش خود ادامه دهد بتواند سرمایه پنهان واقعی خود را در صورت کامل شناسایی، اندازه گیری و مدیریت نماید.علی رفم توجه بسیاری که در دهه‌ی اخیر به موضوع سرمایه فکری (IC) به عنوان مولد ارزش و تائیر گذار بر عملکرد سازمان‌ها شده است. ولی دیده می‌شود که الگوی واحدی برای اندازه گیری آن مشخص نشده است. برخی از محققین در خصوص سرمایه فکری اعتقاد دارند که هیچ‌گاه نمی‌توان یک مدل واحدی برای اندازه‌گیری سرمایه فکری در نظر گرفت؛ چون تعیریفی که در جوامعه مختلف از سرمایه فکری می‌شود متفاوت است. باید متناسب با فرهنگ هرجامعه سرمایه‌ی فکری را تعریف نمود و مدلی برای آن پیشنهاد نمود. واضح است که چنین اظهاراتی نه تنها نمی‌تواند مشکل‌های موجود بر سر راه سرمایه فکری را حل نماید بلکه باعث ایجاد دوگانگی نیز می‌شود و چه بسا این گونه اظهارات نه تنها نمی‌تواند مشکل‌های موجود بر سر راه سرمایه‌ی فکر را حل نماید بلکه باعث ایجاد دوگانگی نیز می‌شود و چه بسا این گونه اظهارات مغرضانه نیز باشد. زمینه ‌های اندازه گیری و مدیریت سرمایه فکری در جامعه ایران توجه ویژه ای را از جانب نهاد‌های حرفه‌ای، دانشگاهیان و قانون‌گذاران می‌طلبد.

# **مبانی نظری و سیر تاریخی سرمایه فکری**

سرمایه فکری اولین بار در سال 1962 توسط فریتز مچلاپ مطرح شد پس از آن در سال 1969 جان کنت گالبرایت اصطلاح سرمایه فکری را به کار برد در اوايل دهه 1980 ایده عمومی ارزش ناملموس (که اغلب ”سرقفلی“ نامیده می شد) را ایتامی مطرح کرد.

در اواسط دهه 1980 انقلاب اطلاعات شكل گرفت و شكاف بين ارزش دفتري و ارزش بازار به طور چشمگيري براي بسياري از شركتها افزايش یافت. درهمين حين، كتابي پيرامون استخراج ارزش از نوآوري توسط آقاي تيس انتشاريافت.

در اواخر دهه 1980آغاز نخستين تلاشها براي نوشتن و تدوين صورت حسا ب هايي كه سرمايه هاي فكري را انداز ه گيري مي كنند (اسويبي، 1988 ) شکل گرفت و در این رابطه کتاب « ارتباط گم شده و سقوط مديريت حسابدار ي » توسط آ قايان جانسون و كاپلان انتشار یافت. همچنين كتاب «مديريت داراييهاي دانشي» (قرن 21) توسط آقاي آميدن منتشر شد.

در سال 1990 شرکت اسكانديا آقاي ليف ادوينسون را به عنوان « مدير سرمايه هاي فكري» خود منصوب کرد. اولين باري است كه نقش مديريت سرمايه هاي فكري با تخصيص يك پست رسمي، در سازمان مشروعيت مي يابد. كاپلان و نورتن ( 1992 ) مفهوم و رويكرد كارت امتيازي متوازن را معرفي کردند . اين رويكرد مبتني بر اين فرض است كه آنچه را كه شما اندازه گيري مي كنيد همان چيزي است كه شما به دست مي آوريد. همچنین كتاب «سازمان هوشمند» نیز توسط آقاي كوئين انتشار يافت.

ونوكا و تاكيشي در سال 1995 کار بسيار با ارزششان را دربارة ”سازمان دانش آفرین“ معرفی کردند . اگر چه تمركز اين كتاب بر دانش است ، با وجود اين، تمايز بين دانش و سرما ية فكري در آن بسيار ظريف عنوان شده است

در سال 1994 ابزار شبيه سازي سلمي به نام تانگو روانه بازار شد. تانگو اولين محصول پرفروش است كه در آموزش مديران دربارة اهميت عوامل نامشهود، به كار مي آيد. همچنين در سال ( 1994 ) ضميمه اي براي گزارش سالانة شركت اسكانديا تهيه شد كه موجودي سرمايه هاي فكري آن ر ا نشان مي داد. گزارش سرمايه هاي فكري، علاقة زيادي ايجاد کرد و در شركتهايي كه به دنبال پيروي از پيشگامي اسكانديا هستند. براي « مميزي دانش » رويداد قابل توجه ديگري كه در سال ( 1995 ) اتفاق افتاد، زماني است كه سلمي از ارزيابي جامع از وضعيت سرمايه هاي فكري شركت استفاده كرد. صاحب نظران نهضت سرماية فكري،كتابهاي پرفروشي را دربارة موضوع منتشر کردند (كاپلان و نورتون، 1996 ادوينسون و مالون،1997 ؛ اسويبي، 1997). با اين حا ل، كار ادوينسون و مالون بويژه دربارة فرآيند و چگونگي انداز هگيري سرمايه هاي فكري به مراتب بيشتر استفاده شد

سرمايه هاي فكر ي، موضوع مورد پسند بسياري از محققان و كنفرانس هاي علمي، مقاله ها و نشريه هاي مختلف قرار ميگيرد. تعداد زيادي پروژه از جمله پروژ ههاي مرتيوم، دانمارك و استكهلم، در سطح وسيع انجام گرفت.

اوایل دهه 2000 اولين مجلة معتبر علمي با عنوان « سرمايه هاي فكر ي » انتشار يافت. اولين استانداردهاي حسابداري « سرمايه هاي فكر ي » را دولت دانمارك منتشر كرد. چشم انداز سرمايه هاي فكري به همراه كميتة سرمايه هاي فكري در شركت اسكانديا تعيين و تشكيل شد.

اتحادية اروپا، اولين گزارش سرمايه هاي فكري خود را منتشر کرد و کتاب «ثروت نامشهود» را موسسة بروكينگ به چاپ رسانیددر آن سالها گزارش سرمايه هاي فكري مراكز اتريش منتشر ميشود و کتاب « مديريت، اندازه گيري و گزارش دهي داراييهاي نامشهود » رالو به همراه حجم گسترد ه اي كتب و مقا له ها، پيرامون مديريت سرمايه هاي فكري به چاپ مي رسد. تعداد بسياري پروژه در راستاي مديريت و انداز ه گيري سرمايه هاي فكري در سازمانهاي مختلف، تعريف و انجام شده و درحال حاضر نيز درحال پيگيري است.

# **سرمایه فکری**

سرمایه فکری به مجموعه‌ای از این دارایی‌های دانشی اطلاق می‌شود که به صورت محسوسی در موقعیت و جایگاه رقابتی رو به رشد سازمان تاثیر می‌گذارد. در واقع توجه به سرمایه‌ی فکری که در راستای فرض تداوم فعالیت واحد تجاری حرکت می‌گذارد می‌تواند از دیدگاه حسابداری از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد. به طوری که امروزه مشخصا آن شرکت‌هایی می‌توانند در بازار‌]ای رقابتی باقی بمانند که دیدگاه آن درباره سرمایه‌های فکری روشن و واضح باشد سرمایه‌ی فکری نه به عنوان جایگزین دارایی‌های پولی و مالی، بلکه به عنوان مکمل آن‌ها امروزه شاید جایگاه ویژه‌تری نیز نسبت به آن‌ها یافته است باید مورد توجه سازمان ها قرار گیرد به طوری که براساس تحقیق‌های گروه گارتنر در شرکت‌های پیش‌رو ارزش دارایی‌های فکر و سه تا چهار برابر ارزش دارایی‌های ثبت شده‌ی شرکت است. شاید دیدگاهی که سرمایه دارایی فکری را جایگرین سایر داراریی‌ها و سرمایه‌های کنونی می‌داند باعث شده باشد مدیریت علاقه‌ای به پذیرش این یافته جدید نداشته باشند؛ چرا که واضح است مدیران دارایی‌ها و سرمایه‌هی سنتی عجین شده است . کما این‌ که روش مشخصی نیز برای اندازه‌گیری آن در نظر گرفته نشده‌است.

سرمایه فکری چه از بعد مدیریتی و چه از بعد اندازه گیری و افشا مربوط به نوع خاصی سازمان‌ها و شرکت‌ها نمی‌شود. بلکه با توجه به تحقیق‌های گسترده‌‌ای که انجام شده نشا جایگاه سرمایه‌ی فکری در تمامی سازما‌ن‌ها از جمله سازمان‌های انتفاعی و غیر انتفاعی داشنگاه‌ها، نهاد‌ها و سازمان‌های دولتی و غیره است. بنابر این، باید برای طراحی مدل‌های اندازه گیری سرمایه‌ی فکری به اهداف این سازمان‌ها توج شود تا کلیه نیاز‌ها سازمان نیز برآورده گردد.

مجموعه‌های آموزشی و دانشگاهی‌نقش تعیین کننده‌ای در تولید سرمایه‌های فکری سازمان‌ها به خصوص در حوزه‌ی نیروی انسانی را دارند.آنها از طریق آموزش نیروی انسانی متخصص و متعهد گام بزرگی در جهت رشد کلی سرمایه‌ی فکری برمی‌دارند. شرکت‌های بزرگ در آمریکا و کشور‌های اروپایی از جمله مایکروسافت و اینتل به طور مستقیم مؤسسه‌های تحقیق و توسعه در چین ایجاد نموده‌اند و تعدادی چینی را که در علوم فناوری نخبه هستند را به کار گرفته‌اند در سال‌های اخیر نیز مشاهده گردیده که این شرکت‌ها دانش‌آموزان برتر در ماطع مختلف را در چین آموزش می‌دهند تا ضمن شکوفا شدن این استعداد‌ها از آن‌ها به عنوان کارمندان آتی خود استفاده نمایند. البته اینم اقدام تنها مختص به کشور چین نمی‌باشد. به ظطور کلی این موضوع نشان از اهمیت سرمایه‌ی فکری و دارایی‌های دانشی جهت ادامه روند حرکتی رو به رشد سازمان دارد.

# **مفهوم وتعاریف سرمایه فکری**

سرمایه فکری دارایی است که توانایی سازمان را برای ایجاد ثروت اندازه‌گیری می‌کند. این دارایی ماهیت عینی و فیزیکی ندارد و یک دارایی نامشهود است که از طریق به کارگیری داراییهای مرتبط با منابع انسانی، عملکرد سازمانی و روابط خارج از سازمان به دست آمده است. همه این ویژگیها باعث ایجاد ارزش به دست آمده می شود به دلیل اینکه یک پدیده کاملاً داخلی است، قابلیت خرید و فروش ندارد.

ارتباط بین سرمایه فکری و عملکرد شرکت ها به طور تجربی در کشورهای زیادی از جمله آمریکا، کانادا، چین، مالزی، آلمان و .... مورد بررسی قرار گرفته است. واژه های نامشهودها، دارایی دانش و سرمایه فکری به طور وسیعی در ادبیات حسابداری، اقتصاد و مدیریت مورد استفاده می باشد ولی ارزش بالقوه و منافع آتی آنان به طور قابل اتکاء قابل اندازه گیری و سنجش نمی باشد. به طور کلی، بهره وری در شرکت ها وابسته به سرمایه فکری و قابلیت های سازمان در بکارگیری آن به عنوان یک دارایی است. استوارت اشاره می نماید که در عصر اطلاعات و اقتصاد دانش محور یک انقلاب اساسی رخ داده است، به طوری که اطلاعات جایگزین سرمایه در گردش و دارایی های فکری جایگزین دارایی های فیزیکی گردیده است. در واقع، منافع فیزیکی و مادی تا حد زیادی توسط دانش و ارتباطات به عنوان منابع اصلی ارزش و ثروت جایگزین شده اند و در عصر جدید اقتصاد نوین در قالب اقتصاد نامشهود ظهور یافته است. انقلاب دیجیتال، در اقتصاد باعث پیدایش مفاهیم نوین از جمله اقتصاد فرا- ماده و اقتصاد بی وزن و اقتصاد نرم افزاری شده و این مفاهیم به نوعی حکایت از آن دارد که عامل محرک اقتصاد دیگر ماده نیست، بلکه چیزی است بی وزن و غیر مادی مانند اطلاعات و دانایی.

سرمایه‌ی فکری آن نرخ از دارایی شرکت را شامل می‌شود که باعث ایجاد ارزش برای شرکت می‌گردد و در بسیاری از مواقع ارزش آن‌ها بیشتر از سایر دارایی‌های شرکت نیز است. موضوع همت مضاعف و تلاش دسته جمعی جهت رسیدن به مدل بهینه برای اندازه گیری سرمایه‌ی فکری به عنوان حلقه‌ی گم شده‌ی گزارش های مالی مشهود است. بنابراین باید اهالی حرفه‌ به صورت تخصصی به سنجش سرمایه‌ی فکری بپردازند تا ضمن جلوگیری برای از بین رفتن سرمایه‌های سازمانی مانع از بی اعتمادی جامعه نسبت به خود نیز شوند. روش‌های تئوری متعددی جهت سنجش و ارزیابی سرمایه‌ی فکری و عنوان شده‌است که تحلیل و بررسی زیادی را نیز می‌طلبد. از این حیث دو دیدگاه جهت سنجش و اندازه گیری سرمایه‌ی فکری مطرح است. یکی دیدگاهی که مدل‌های پولی اندازه گیری سرمایه‌ی فکری مطرح است. یکی دیدگاهی که مدل‌های پولی اندازه گیری سرمایه‌ی فکری را عنوان می‌کند و دیگری دیدگاهی که مدل‌های غیر پولی را مورد توجه قرار داده است.

* در مسیر تطور مفهوم سرمایه فکری، نظریه پردازان و محققان مختلف سعی نموده اند تا براساس دیدگاه ها و زمینه های تخصصی گوناگون، تعریفی عمومی از سرمایه فکری ارائه دهند،اما با این حال پیرامون ادبیات نظری سرمایه فکری هیچ اشتراک نظر و توافق عمومی وجود ندارد ( مار،مستغفر، 2005).
* با این حال اکثر تعاریف و طبقه بندی ها نشان می دهد که علی رغم اینکه محققان از ساختارها و عناوین مختلفی جهت شناسایی سرمایه فکری استفاده می کنند، یک همگرایی کلی بین این تعاریف و گروه بندی ها وجود دارد ( کافمن، اشنایدر،2004)
* سرمایه فکری را مجموعه ای از دارایی های دانشی متعلق به سازمان و جزئی از دارایی های سازمان بوده تعریف می کند که موجب افزایش ارزش سرمایه های سازمان گردیده و وضعیت سازمان را در مقایسه با رفتار بهبود می بخشد.( مار 2004)
* سرمايه فكري ، از تفاوت بين ارزش بازار يك واحد تجاري و هزينة جايگزيني داراييهاي آن به دست مي آيد . (ستارمان 2002)
* سرمایه فکری ذخیره‌ای از دانش را که در نقطه خاصی از زمان در یک سازمان وجود دارد، نشان می‌دهد. در این تعریف ارتباط بین سرمایه فکری و یادگیری سازمانی مورد توجه قرار گرفته است. (بونتیس و هالند 2002).
* سرماية فكري را از منظر محاسباتي مي توان به عنوان اختلاف ارزش بازار و ارزش دفتري شركتها تعريف كرد. (فاستر 2001)
* سرماية فكري ، عبارت است از دانشي سازماني وسيع كه براي هر شركت ، منحصر به فرد بوده و به شركت اجازه مي دهد تا به طور پيوسته خود را با شرايط در حال تغيير و تحول، انطباق دهد. (موريتسن 2000)
* سرماية فكري ، عبارت است از دانشي سازماني وسيع كه براي هر شركت ، منحصر به فرد بوده و به شركت اجازه مي دهد تا به طور پيوسته خود را با شرايط در حال تغيير و تحول، انطباق دهد. (موريتسن 2000)
* یکی از سردرگمی ها که اغلب در ارتباط با سرمایه فکری ایجاد می شود تفاوت آن با دارایی فکری است . هریک از این موارد دارای تعاریف مستقل و در عین حال به هم وابسته می باشد. وقتی به داده ها ساختار داده شود اطلاعات را شکل می دهند مصرف هدفمند اطلاعات به ایجاد دانش می انجامد.
* بر اساس تعریف، سرمایه فکری دانشی است که تغییر شکل یافته و به چیزی تبدیل شده که برای بنگاه ارزشمند است . دارایی فکری یا دارایی دانشی محصول این دانش تغییر شکل یافته (سرمایه فکری) است.
* بنابراین از دید حسابداری دارایی های فکری مانند حق اختراع یا اموال فکری دارای مانده ی بدهکار است در حالی که سرمایه فکری جمع ثروت بنگاه است که در دارایی فکری سرمایه گذاری شده است ودارای مانده ی بستانکار است.(ویدا مجتهد زاده 1381)

# **ویژگی های سرمایه فکری**

* از نظر هاروارد منابع فکری در شرکت حالت انحصاری و یگانه دارند و قابل کپی برداری و تقلید نیستند ، به همین جهت برای شرکت ارزشمند بوده و قابلیت ایجاد مزیت رقابتی را دارند .
* داراییهای فکری، داراییهای غیر رقابتی هستند. بر خلاف داراییهای فیزیکی که فقط می‌توانند برای انجام یک کار به خصوص در یک زمان خاص مورد استفاده قرار بگیرند، داراییهای فکری را می‌توان به طور همزمان برای چند امر خاص به کار گرفت. برای مثال، سیستم پشتیبانی از مشتری می‌تواند، امکان حمایت از هزاران مشتری را در یک زمان خاص فراهم کند. این توانایی یکی از مهمترین معیارهای برتری داراییهای فکری بر داراییهای فیزیکی است.
* سرمایه انسانی و سرمایه رابطه‌ای، قابلیت تبدیل شدن به مالکیت شخصی ندارند ، بلکه باید بین کارکنان و مشتریان و تأمین‌کنندگان مشترک باشند. بنابراین، رشد این نوع از داراییها نیاز به مراقبت و توجه جدی دارد.

#  **اجزای سرمایه فکری**

سازمان‌ها باید به لحاظ استراتژی منابع‌شان را به منظور کسب مزایای رقابتی افزایش و توسعه دهنده تا بتوانند به پیروی آن بر کارایی‌شان بیافزایند. باید قابلیت‌ها و صلاحیت‌هایی که عملکردشان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شناسای و افزایش دهند. سخن به گزاف نگفته ایم اگر بگوییم تمام قابلیت‌های سازمانی بر اساس اطلاعات و دانشی‌است که به سازمان قدرت شناسایی، حفظ احساس صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها را در گذر زمان، اعطا می‌کند.

سرمایه‌ی فکری بدون شک مهم‌ترین بخش از سرمایه‌ی شرکت را تشکیل می‌دهد. دارایی‌هایی همچون اموال، ماشین آلات و تجهیزات و یا سایر دارایی متصور در ترازنامه‌های سنتی که به ظاهر منابع اصلی شرکت‌ها در بازار‌های رقابتی محسوب می‌شوند. متمایز از سرمایه‌ی فکری است. در دهه‌ی اخیر تحقیق‌های گسترده‌ای در خصوص سرمایه‌ی فکری انجام شده‌است و صاحب نظران بسیاری نیز آن را تعریف و تقسیم بندی نموده‌اند که در تمام ی این تعاریف موضوع‌هایی چون منابع نا مشهود معلومات دانش و منابع اطلاعاتی به چشم می‌خورد به عنوان سازمانی، ارتباطات مشتری و مهارت‌های حرفه‌ای است که باعث ایجاد رقابت می‌شود. وی هم‌چنین در جهت توصیف ارزش بازار شرکت دو نوع سرمایه که شامل سرمایه مالی و سرمایه ‌ی فکری می‌شود را بیان نمود سرمایه‌ی فکری مفهوم جامعی است که اغلب به چندین طبقه تقسیم می‌شود. متداول ترین تقسیم بندی به شرح زیر است:

الف . سرمایه انسانی (HC): به دانش نیروی کار مؤسسه (شرکت) و ظرفیت تولید این دانش اشاره دارد. ارزش کارکنان از طریق استفاده از مهارت‌هایشان، به کار گیری معلومات کارکنان از جمله تشویق ،‌ارتقاء و محیط کاری در جهت نوآوری و ایجاد انگیزه در نیروی انسانی برای انتقال داشته‌هایشان به دانش و معلومات آشکار تلاش نماید. ممکن است به بار نشستن این سرمایه کمی زمان بر هم باشد که آن هم نیاز به مدیریت قوی دارد. هر چند سرمایه‌ی انسانی پایه و اساس سرمایه‌ی فکری را تشکیل می‌دهد ولی این گونه سرمایه‌ها با خروج کارکنان از شرکت ، خارج می‌گردد.

ب. سرمایه‌ی ساختاری (SC): سرمایه‌ی ساختاری به عنوان همه‌ی ذخایر غیر انسانی دانش در سازمان‌ها ا زجمله پایگاه داده‌ها،‌ راهنمای فرآیندها، استراتژی‌ها،‌سیستم‌های اطلاعاتی، رویه‌ها، فرهنگ سازمانی، انتشارات و کپی رایت‌ها است. سرمایه‌ی ساختاری در واقع زیر ساخت‌های حمایتی سرمایه‌ی انسانی محسوب می‌شود که برای شکوفا شدن سرمایه ‌ی انسانی لازم و ضروری است. به طور کلی این سرمایه‌ها مجموعه‌ی دانشی است که در یک سازمان حتی پس از خروج افراد سازمانی باقی می‌ماند و به ارزش سازمان‌ها می‌ا فزاید. سیستم‌های اطلاعاتی در سرمایه‌ی ساختاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چون باعث افزایش در کارآیی عملیاتی شرکت می‌گردد.

ج- سرمایه‌ی ارتباطی (RC): به دلیل اهمیت مشتریان درروابط خارجی سرمایه‌ی ارتباطی، به سرمایه‌ی مشتری شهرت گرفته است، ولی بایستی توجه نمود که سرمایه‌ی ارتباطی تنها شامل مشتریان نمی‌شود. سرمایه‌ی ارتباطی درواقع رابط بین سرمایه‌های انسانی و ساختاری با سایر ذی نفعان خارجی می‌باشد. سرمایه‌ی مشتری نیز به عنوان بخشی از سرمایه‌ی ساختاری شامل دارا بودن دانش کانال‌های بازاریابی جهت یافتن مشتریان جدید و چگونگی مدیریت این ارتباط جهت حفظ مشتریان موجود از طریق اعتماد سازی و وفاداری اشاره دارد. برای آن که بتوان با مشتریان خوب ارتباط برقرار نمود باید اعضا یک سازمان بتوانند با یکدیگر به خوبی ارتباط برقرار نمایند، به طوری که همکاری و کاربرد شبکه‌های داخلی مساله‌ی غیر قابل انکاری در تعالی سرمایه‌ی ارتباطی است. به هر حال این اجزای سرمایه‌ی فکری دارای وابستگی متقابل هستند. سرمایه‌ی فکری از راه ترکیب ،‌به کارگیری، تعامل، یکپارچه سازی و ایجاد تعادل بین این اجزا و نیز مدیریت جریان دانش بین آن‌ها سعی در رسیدن به بهترین ارزش‌ برای سازمان‌های خود را دارد.

#  **استفاده کنندگان اطلاعات سرمایه‌ی فکری**

سهامداران و سرمایه گذاران: برای داشتن اطلاعات بهتر برای تصمیم‌های مربوط به سرمایه گذاری، سهامداران و سرمایه گذاران باید دانش و آگاهی بیشتری در مورد سرمایه‌ی فکری یک سازمان داشته باشند. حسابداری سنتی از طریق گزارش‌هایی که برای این اهداف تهیه نشده بودند، تا حدی می‌توانست تصویر مناسبی از سرمایه‌ی فکری سازمان فراهم کند، ولی این به تنهایی جواب گوی نیازهای سرمایه گذاران و سهامداران نیست. اگر سرمایه گذاران، اطلاعات کاملی در مورد ارزش سازمان و سرمایه‌‌ی فکری آن نداشته باشند، ارزیابی آن‌ها از وضعیت سازمان دارای اعتبار کمتری خواهد بودوخود این ابهام، باعث افزایش هزینه‌ی سرمایه برای سازمان می‌شود.

تحلیل گران مالی: تحلیل گران برای درک بهتر ارزش سازمان، باید اطلاعات درستی در مورد ارزش سرمایه‌ی فکری آن داشته باشند. بدون داشتن اطلاعات مفصل در مورد سرمایه‌ی فکری سازمان و درک چگونگی کمک کردن این اطلاعات در رسیدن به اهداف استراتژیک، تجزیه و تحلیل کنندگان نمی‌توان ارزیابی درستی از وضعیت سازمان انجام داد. این امر، منجر به افزایش ابهام برای سرمایه گذاران و بانک‌ها می‌شود و باعث خواهد شد که ان‌ها ریسک بیشتری برای سرمایه‌گذاری یا دادن اعتبار،برای سازمان در نظر بگیرند که این خود سبب می‌شود، هزینه‌ی سرمایه افزایش پیدا کند.

کارکنان: کارکنان برای درک سلامت و وضعیت مالی سازمان خود، به اطلاعات نیاز دارند و امروزه سرمایه‌ی فکری یک عنصر بسیار مهم برای این هدف است. آن‌ها به ویژه به کسب اطلاعات در مورد شکل فرایندهای مربوط به نحوه‌ی مدیریت، نگهداری و گسترش دادن این دارایی‌ها علاقه هستند.

سایر افراد: سازمان‌ها به وضعیت روابط شان با شرکای تجاری، تامین کنندگان و تمامی کسانی که منافعی در سازمان دارند بسیار اهمیت می دهند. یکی از راه‌های کسب اطمینان این افراد و داشتن روابط مستحکم با آن‌ها در اختیار گذاشتن اطلاعات دقیق در مورد دارایی‌ها به ویژه سرمایه‌ی فکری موجود در سازمان است.

# **اندازه‌گیری و سنجش سرمایه‌ی فکری**

 آن چه در خصوص سرمایه ‌ی فکری حائز اهمیت است و می‌تواند از دیدگاه حسابداری به آن پرداخته شود، موضوع اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری می‌باشد که در جامعه‌ی ایران از دیدگاه تخصصی کمتر به ان توجه شده است. مدیریت به سنجش و اندازه‌گیری گره خورده است؛ زیرا همواره آنچه مدیریت می‌شود که مبنایی برای ا ندازه‌گیری آن وجود داشته باشد، پس به طور کلی مدیریت کارآمد غیر قابل اجتناب از اندازه‌گیری است. یک هسته‌ی مشاوره‌ای در سوئیس مطالعاتی در زمینه‌ی سرمایه‌ی فکری انجام داد و دریافت که فقط ۲۰ درصد دانشی که در اختیار سازمان‌ها است مورد استفاده قرار می‌گیرد و دلیل آن را عدم اندازه‌گیری مناسب سرمایه‌های فکری و دانشی بیان نمودند. به منظور اندازه‌گیری هر سرمایه‌ای باید بتوان ارزش ایجاد شده (بازده) آن را شناسایی نمود. در تعریفی ساده که از سرمایه‌ی فکری شده است، تفاوت بین ارزش دفتری و ارزش بازار را به عنوان سرمایه‌ی فکری می‌شناسند، این تفاوت نشان از بازده سرمایه‌ی فکری دارد. به طوری که ارزش کل سازمان بیش از آنچه می‌باشد که ثبت و گزارش شده است.

 برای تشریح بهتر بحث اندازه‌گیری، سویبی بیان می‌نماید که فرض کنید شخصی وظیفه دارد آب یک نهر را اندازه گیری نماید. شاید راه حل‌های مختلفی برای آن وجود داشته باشد؛ ولی شخص اندازه‌گیر به هدف اندازه‌گیری و استفاده کنندگان از آن باید توجه نماید. هم چنین وی معتقد است باید به ریسک تغییرات و یا حتی خشک شدن سرچشمه نیز توجه شود. بنابراین، هدف از اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری چیست؟ شاید بتوان عنوان نمود که هدف حداکثر کردن ثروت صاحبان سرمایه از طریق توسعه و تخصیص بهینه‌ی منابع باشد.

چارچوب کلی اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری به شرح زیر است: (حلقه‌ی ارتباطی مدیریت و اندازه‌گیری )

# **نمایه‌ی ۵.۱ چارچوب اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری**

توسعه و تخصیص

بهینه‌ی منابع

اندازه‌گیری سرمایه‌ی

فکری

حداکثر کردن ثروت

صاحبان سرمایه

اعتبار بخشیدن

به گزارش‌ها

شفافیت در گزارش‌ها

 و بهبود در مدیریت

گزارش نتایج

اندازه‌گیری

#

# **ضرورت سنجش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری**

همان طور که بر اساس تحقیق‌های انجام شده و آزمون چند مدل، خاطر نشان می‌کند افزایش یا کاهش (تغییرات) سرمایه‌ی فکری به صورت فزاینده‌ای بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثر خواهد گذاشت. بنابراین، بیشتر شرکت‌ها جهت ارزیابی مناسب سرمایه‌ی فکری این احساس نیاز را در خود دارند، تا بتوانند ضمن در اختیار د اشتن اطلاعات مفید و قابل اتکا، عملکرد مالی شرکت خود را تعیین و اندازه‌گیری نماید.توجه به سرمایه‌ی فکری به عنوان فرصتی جهت ایجاد و گسترش تجارت جدید و خلاق استفاده می‌شود که این نشانه‌هایی از موفقیت‌های تجاری و شغلی آینده را نشان می‌دهد. برای اثبات این گفته از مقایسه‌ای پی ام با مایکروسافت می‌توان استفاده نمود. ای بی ام یک فروشنده‌ی بزرگ و مایکروسافت شرکتی با ارزش بالاتر از آن است. به طوری که تا نوامبر ۱۹۹۶ کل ارزش بازار ای بی ام معادل ۷/۷۰ بیلیون دلار و ارزش بازار مایکروسافت ۵/۸۵ بیلیون دلار بود، این در حالی است که خالص دارایی‌های ثبت شده‌‌ی (دفتری ) ای بی ام ۶/۱۶ بیلیون دلار ولی خالص دارایی‌های ثبت شده‌ی مایکروسافت تنها ۹۳۰ میلیون دلار بوده است. همان طور که مشاهده می‌شود ارزش ثبت شده‌ی ای بی ام بیش از ۱۷ برابر شرکت مایکروسافت است، ولی ارزش بازاری شرکت مایکروسافت از آن بیشتر است. باید دلیل این تفاوت و دلیل آن که بسیاری از شرکت‌ها در دهه‌ی اخیر ورشکست شده‌اند و از بازارهای رقابتی کنار گذاشته شده‌اند را مورد جستجو قرار د اد.

دانستن ابزارهای جدید اندازه‌گیری ضروری به نظر می‌رسد، هر چند که این روش‌ها درحال توسعه هستند و تحقیق‌های گسترده و رشد تصاعدی در ادبیات مربوط به مدیریت دانش و سرمایه‌ی فکری انجام شده است. بونتیس و گراندی اعتقاد دارند که اکثریت کارهای انجام شده در ارتباط با گسترش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری موضوع‌های مقدماتی، بدون مفهوم اساسی و اصولاً تکراری است.

# **اهداف اندازه گیری سرمایه فکری**

1. کمک به سازمان ها در جهت فرموله کردن استراتژی هایشان
2. ارزیابی نحوه اجرای استراتژی ها
3. کمک به گسترش و تنوع تصمیم گیری های شرکت
4. ارزیابی سرمایه های فکری می تواند به طرحهای بازپرداخت و پاداشهای مدیران ارتباط داده شود
5. جهت ایجاد رابطه با سهامداران خارج از شرکت که سرمایه فکری را در اختیار دارند .
6. گزارشگری شاخص های مرتبط با سرمایه های فکری

اندریسن (2002) اعتلای مدیریت داخلی ، بهبود گزارشگری خارجی و انگیزه های قانونی و معاملاتی را از جمله دلائل اندازه گیری سرمایه فکری بر می شمرد .

# **مزایای اندازه گیری سرمایه فکری**

1. شناسایی کلیه عوامل نامشهود موجود در سازمان
2. کنترل مستمر عوامل نامشهود و شناسایی نیاز های تجدید آن ها
3. شناسایی راهکارهای بهبود کارایی عوامل نامشهود در کلیه فرآیند های سازمانی
4. تسریع سازوکارهای یادگیری سازمانی
5. افزایش قدرت خلاقیت و نو آوری
6. افزایش روحیه همکاری و تعامل میان منابع انسانی
7. تحمل کمتر هزینه مالی و سرمایه ای
8. بهبود فرآیند بودجه بندی و برنامه ریزی های راهبردی و اجرایی
9. ارائه ی اطلاعات مربوط و به موقع به استفاده کنندگان و حرکت به سوی ایجاد بازارهای مالی کارا
10. افزایش انعطاف پذیری تولید به دلیل کاهش وابستگی به دارایی های مشهود و استفاده از عوامل نامشهود در فرآیند تولید

# **مسائل و مشکلات سنجش سرمایه های فکری**

روس (1998) مهمترین مشکلات سنجش سرمایه فکری را به صورت زیر بیان می کند:

1) تاخیر زمانی : از آنجا که جریان سرمایه گذاری در جنبه خاص سرمایه فکری ممکن است پس از گذشت مدت زمان زیادی اثرات خود را نشان دهد، لذا ممکن است سنجیدن اثر آن بسیار دشوار باشد. به عنوان نمونه، سرمایه گذاری هایی که در تولید دانش و آموزش صورت می گیرد اغلب مشمول این موضوع می گردند.

2) سرمایه گذاری در موضوع سرمایه فکری از قاعده جمع- صفر تبعیت نمی کند. بدین معنی که سرمایه گذاری کوچک ممکن است اثر بزرگی داشته و بالعکس سرمایه گذاری وسیع با شکست مواجه گردد.

3) نمی توان سرمایه گذاری در حوزه سرمایه فکری را با واژه های مالی سنجید، بلکه بیشتر این سرمایه گذاری ها در واحد زمان یا به صورت نسبت سنجیده می شوند.

4) در اقتصاد دانشی رابطه بین هزینه و جریانات نقدی آینده همیشه واضح و روشن نیست (Roos,1998).

# **مدل‌های سنجش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری**

امروزه مدل‌های متعددی برای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری وجود دارند که در این بخش به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. همانطور که گفته شد جهت سنجش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری دو دیدگاه پولی و غیر پولی وجود دارد، به طوری که عموماً روش‌های DIC، MCM و ROA به جنبه‌های پولی سرمایه‌ی فکری می‌پردازند و روش SC به سرمایه‌ی فکری از دیدگاه پولی و غیر پولی اشاره دارد.

۱- تکنولوژی بروکر: این مدل در سال ۱۹۹۶ توسط بروکینگ ارائه شد. تکنولوژی بروکر به ارزیابی ارزش سرمایه‌ی فکری یک شرکت از طریق تجزیه و تحلیل ۲۰ پرسش متداولی که توسط خود شرکت پاسخ داده شده است می‌پردازد. در آن سرمایه‌ی فکری شامل چهار جزء، دارایی‌های بازار (مانند مارک‌های تجاری)، دارایی‌های انسان محور (مهارت‌ها و تخصص‌ها)، دارایی‌های فکری (حق اختراع و حق تالیف) و دارایی‌های زیر ساختی (سیستم‌های اطلاعاتی و مالی) می‌باشد. در این مدل ارزش پولی سرمایه‌ی فکری بر اساس برخی از معیارها از قبیل معیار مبتنی بر هزینه معیار مبتنی بر درآمد و معیار مبتنی بر بازار قابل محاسبه است. در معیار مبتنی بر هزینه هزینه های جابجایی در معیار مبتنی بر درآمد به قدرت و توانایی تولید درآمد و در معیار مبتنی بر بازار به ارزش تعیین شده‌ی برون سازمانی پرداخته می‌شود.

۲- روش ارزش‌گذاری جامع (IV): این مدل که در سال ۱۹۹۸ توسط مک فرسون در سال ۱۹۹۸ ارائه شد، از طریق استفاده‌ی منظم و سیستماتیک از شاخص‌های وزنی ترکیب شده جهت اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری بهره می برد. در این مدل سه دسته ارزش شامل ارزش اصلی (درونی)، که نشان دهنده‌ی اثربخشی درون سازمانی است، ارزش فرعی (خارجی)، که توسط نرخ اثر بخشی عملکرد سازمان ارزیابی می‌شود و ارزش ابرازی، که نشان دهنده‌ی نفوذ در محیط‌های رقابتی است،‌مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- جستجو گر ارزش: این مدل در سال ۲۰۰۰ توسط اندرسن و تیسن ارائه شد. در این مدل برآوردها و تخصیص‌های ارزش برای پنج نوع از دارایی‌های نامشهود شامل دارایی‌ها و امتیازات کارایی و تکنیک‌های دانشی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تکنولوژی و دانش آشکار و فرآیندهای اصلی و مدیریتی می‌باشد.

۴- ارزش گذاری دارایی‌های فکری: این مدل که در سال ۲۰۰۰ توسط سالیوان ارائه شد، مبتنی بر پیش‌بینی درآمدهای تولید شده در آینده توسط دارایی‌های نامشهود می‌باشد. در این مدل خالص جریان‌های نقدی یعنی جریان‌های نقدی ورودی به کسر از جریان‌های نقدی خروجی در طی یک دوره، برای محصول پیش‌بینی می‌شود.

۵- حسابداری برای آینده (AFTF): این مدل در سال ۱۹۹۸ توسط ناش ارائه شده . مدلی است که در آن کاهش در جریان‌های نقدی برنامه‌ریزی شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مدل در واقع اختلاف بین حسابداری برای آینده در پایان و ابتدای دوره مطابق با آنچه برنامه‌ریزی شده است با هم مقایسه می‌شود. در مدل فوق اختلاف به وجود آمده به عنوان ارزش افزوده در طی دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد که این نشان دهنده‌ی سرمایه‌ی فکری است.

۶- نسبت q توبین: این مدل توسط در سال ۱۹۹۶ جیمز تویین برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد ارائه شد و آن نرخی است که در آن ارزش بازار شرکت بر بهای جایگزینی دارایی‌های شرکت تقسیم می‌شود. تغییرات درq دوره، به عنوان یک نشانه از سنجش کارآیی یا عدم کارآیی موثر برای دارایی‌های نامشهود یک شرکت می‌باشد این مدل شبیه مدل ارزش بازار به دفتری است با این تفاوت که دراین مدل کاهش ارزش دارایی‌ها (البته در جامعه‌ی ایران افزایش ارزش در دارایی‌ها) و رویه‌های استهلاک گوناگون به کار گرفته شده در شرکت‌های مختلف نیز مورد توجه قرار گرفته و تاثیر خودش را بر اندازه‌ی سرمایه‌ی فکری خواهد گذاشت.

۷- ارزش بازار به ارزش دفتری: این مدل در سال ۱۹۹۷ توسط استوارت ارائه شد. یکی از ساده ترین مدل‌هایی است که برای اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری به کار گرفته شد. دراین مدل تفاوت بین ارزش بازار شراکت با ارزش ثبت شده‌ی (دفتری) آن به عنوان سرمایه‌ی فکری تلقی می‌شود. این مدل در عین سادگی دارای معایبی نیز می‌باشد. از جمله می‌توان به نادیده گرفتن سایر متغیرهای اقتصادی که تاثیرگذار بر ارزش بازار شرکت و رویه‌های گوناگون حسابداری که در شرکت‌ها و کشورهای مختلف استفاده می‌شوند و تاثیرگذار بر ارزش دفتری شرکت هستند، اشاره نمود. از طرفی ارزش بازار سهام دائماً د رحال تغییر است بنابراین، ارزش محاسبه شده جهت سرمایه‌ی فکری نمی‌تواند پایدار باشد. سئوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه ممکن است ا رزش دارایی‌های نامشهود با یک معامله و یاتغییر در بازار به سادگی تغییر نماید؟ در این مدل برخی از این معایب در نسبت q توبین برطرف شده است.

۸- ارزش افزوده‌ی اقتصادی ‌(EVA): این مدل در سال ۱۹۹۷ توسط استوارت ارائه شد. ارزش افزوده‌ی اقتصادی یک اندازه‌گیری عملکرد جامع است که از متغیرهای بودجه‌بندی سرمایه‌ای، گزارش‌های مالی، اندازه‌گیری عملکرد، سهامدار، ارتباطات و پاداش محرک استفاده می‌کند و بر افزایش ثروت سهامداران تمرکز دارد. ارزش افزوده‌ی اقتصادی زمانی حاصل می‌َشود که از سود خالص، هزینه‌های عملیاتی، مالیات و هزینه‌های سرمایه‌ای کسر شود. در عمل زمانی ارزش افزوده‌ی اقتصادی افزایش می‌یابد که متوسط هزینه‌ی سرمایه کمتر از بازده خالص دارایی‌ها باشد.

۹- حسابداری و بهایابی منابع انسانی (HRCA): این مدل در سال ۱۹۹۶ توسط جوهانسون ارائه شد. این مدل از طریق بررسی هزینه‌های پنهان منابع انسانی که بر سود شرکت تاثیر گذار هستند سعی در افزایش سرمایه‌ی فکری دارد، به طوری که در این مدل سرمایه‌ی فکری به وسیله‌ی برآورد میزان مشارکت دارایی‌های انسانی تقسیم بر هزینه‌ی حقوق پرداخت شده قابل محاسبه است.

۱۰- حسابداری منابع انسانی (HRA): این مدل در سال ۱۹۶۴ توسط اسمیت ارائه شد. در این مدل هدف اندازه‌گیری کمی منابع انسانی در شرکت است. در گذشته تحقیق‌های گسترده‌ای در خصوص منابع انسانی و راهکارهای اندازه‌گیری آن عنوان شده است. ولی هر چند که سرمایه‌ی انسانی بخش غیر قابل انکاری از سرمایه‌ی فکری را تشکیل می‌دهد اما کل آن را شامل نمی‌شود. این مدل چون تنها به سرمایه‌ی انسانی می‌پردازد و سایر موارد از جمله مشتریان و ساختار سازمانی رانادیده می‌گیرد. این مدل نمی‌تواند مبنای دقیقی برای اندازه‌گیر سرمایه‌ی فکری باشد. مدل فوق قبل از مطرح شدن سرمایه‌ی فکری و بدون در نظر گرفتن سایر متغیرها عنوان شده است. ولی اگر به عنوان یک بخش از سرمایه‌ی فکری به آن نگریسته شود و دیگر بخش‌ها نیز به طرق دیگر اندازه‌گیری و مجموع به دست آمده به عنوان سرمایه‌ی فکری تلقی شود بسا ممکن است اطلاعات دقیق‌تری نیز حاصل گردد.

۱۱- مدل پولی کیوتوبین: در این مدل سعی شده است با پیروی از مدل کیوتوبین برخی از نواقص آن برطرف شود. به طوری که تفاوت بین ارزش بازاری سازمان و ارزش جایگزینی دارایی‌های سازمان تحت عنوان سرمایه‌ی فکری یاد می‌شود و بر اساس تقسیم بندی انجام شده توسط ادوینسون در مدل اسکاندیا از ارزش کلی به دست آمده دو ارزش یعنی سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی ساختاری استخراج می‌شود. بدین صورت که ارزش فعلی پرداخت‌های آتی بابت حقوق و دستمزد و هر گونه مخارجی که در طی دوره سازمان باید برای کارکنان (از جمله ضمن خدمت) متحمل شود که قابل برآورد هستند را محاسبه نموده و به عنوان سرمایه‌ی انسانی شناخته می‌شود. مابه التفاوت ارزش کل سرمایه‌ی فکری و سرمایه‌ی انسانی همان سرمایه‌ی ساختاری است . لازم به توضیح است که این گونه سرمایه ها می‌تواند در هر دوره تجدید ارزیابی شوند یا آن که مستهلک شده و به طور کلی با آن‌ها مانند مخارج سرمایه‌ای برخورد نمود.

به عنوان مثال اگر ارزش بازار شرکتی ۰۰۰/۰۰۰/۴ ریال و ارزش ثبت شده‌ی ان معادل ۰۰۰/۸۰۰/۱ ریال باشد و بر اساس ارزیابی‌های انجام شده، ا رزش جایگزینی دارایی‌ها

۰۰۰/۴۰۰/۲ ریال باشد در این حالت ۰۰۰/۶۰۰/۱ ریال تفاوت بین ارزش بازار و ارزش جایگزینی تحت عنوان سرمایه‌ِی فکری شناخته می‌شود حال در صورتی که ارزش فعلی پرداخت‌های آتی بابت سهم نیرنوی انسانی ۰۰۰/۰۰۰/۱ ریال برآورد شود (لازم است این ارزش برای مدت مشخصی برآورد گردد و به عنوان مثال به صورت پلکانی افزایش یابد) می‌توان ارزش سرمایه‌ی ساختاری را نیز معادل ۰۰۰/۶۰۰ ریال عنوان نمود. در این حالت هرگونه مخارج متحمل شده برای نیروی انسانی یا سرمایه‌ی ساختاری اعم از مخارج حقوق و دستمزد ضمن خدمت کارکنان تحقیق وتوسعه نرم افزاری ،‌بازاریابی و غیره را به عنوان کاهش در تعهدات سرمایه‌ی انسانی با سرمایه‌ی ساختاری تلقی نمود. در این مدل ضمن آن که تا حدودی به برخی معایب مدل نسبت کیوتوبین توجه شده است. تلاش می‌شود تا با ارزیابی پولی سرمایه‌ی فکری و تجزیه‌ی آن به سرمایه‌ی انسانی و ساختاری چارچوبی، به مدیریت جهت حفظ ارزش‌های یاد شده می‌دهد.

۱۲- مدل بازده سرمایه: مشکل اصلی در حیطه‌ی اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری ترکیب شدن بازده این سرمایه با سایر سرمایه‌های شرکت می‌باشد مدلی که می‌توان بازده این سرمایه را از سایر سرمایه‌های سازمان تفکیک نمود استفاده از سود خالص سازمان‌ها می‌باشد. ابتدا سود قبل از کسر بهره و مالیات مد نظر قرار گرفت، ولی از آنجا که بهره نیزتابعی از تصمیم‌های مدیریتی است، بنابراین، سود خالص به عنوان مبنا قرار گرفت.

یکی از صورت‌های مالی اساسی که شرکت‌ها موظف به تهیه‌ی آن هستند، صورت حساب سود و زیان است که نشان دهنده ‌ی سود خالص واحد تجاری می‌باشد و می‌توان آن را مبنایی برای اندازه‌گیری و سنجش سرمایه‌ی فکری تلقی نمود. به طوری که سود خالص واحد تجاری را با سود خالص گزارش شده توسط صنعت (شاخص صنعت) مقایسه نمود و هر گونه مابه التفاوتی را به عنوان بازده سرمایه‌ی فکری تلقی نمود. بااین باور که سود خالص گزارش شده توسط صنعت فقط ناشی از سرمایه‌های معمول سازمان می‌باشد و سرمایه‌ی فکری را شامل نمی‌شود. حال با توجه به آن که سود خالص شرکت و سهم سود خالص مربوط به سرمایه‌ی فکری مشخص است‌ می‌توان هم از ارزش دفتری و هم از ارزش جایگزینی دارایی‌ها استفاده نمود. بدین شکل که ارزش دفتری یا جایگزینی دارایی‌ها را بر سود خالص گزارش شده توسط شاخص صنعت تقسیم نموده و مقدار به دست آمده را در سود خالص سهم سرمایه‌ی فکری (که در بالا محاسبه شد) ضرب می‌نماییم. مقداربه دست آمده ارزش کلی سرمایه‌ی فکری را نشان می‌دهد. هر چند که استفاده از ارزش‌های جایگزینی مشکل است، ولی نسبت به ارزش‌های ثبت شده از دقت بیشتری برخوردار است. این مدل زمانی می‌تواند کاربرد داشته باشد که اولاً شاخص صنعت وجود داشته باشد و ثانیاً این شاخص از دقت کافی برخوردار باشد. به عنوان مثال، چنانچه شرکتی ۰۰۰/۰۰۰/۶ ریال دارایی ثبت شده داشته باشد و سود خالص گزارش شده به ترتیب توسط شرکت و صنعت معادل ۰۰۰/۰۰۰/۲ ریال و ۰۰۰/۵۰/۱ ریال باشد. در این حالت ۰۰۰/۵۰۰ ریال مابه التفاوت حاصل شده (۰۰۰/۵۰۰/۱-۰۰۰/۰۰/۲) را می‌توان به عنوان بازده سرمایه‌ی فکری یا بخشی از سود خالص که سهم سرمایه‌ی فکری است شناسایی نمود. در این صورت دارایی‌ها را به ارزش دفتری یا جایگزینی بر سود خالص طبق شاخص صنعت تقسیم می‌نماییم که برابر چهار خواهد شد. پس می‌توان بیان نمود که ارزش سرمایه‌ی فکری برابر با ۰۰۰/۰۰۰/۲ ریال است همان طور که قبلاً هم گفته شد بهتر است به جای ارزش دفتری از ارزش جایگزینی که دارای دقت بیشتری است استفاده گردد.

ب- دیدگاه غیر پولی اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری: بیشتر به نظر می‌رسند طرفداران این روش اعتقاد به ا ندازه‌گیری غیر پولی سرمایه‌ی فکری دارند. زیرا آن‌ها معتقدند که هیچ مدل پولی نمی‌توان یافت که تمام معیارهای سرمایه‌ی فکری را به گونه‌ِای مناسب منعکس نماید. بنابراین، اگر از مدل‌های پولی استفاده گردد ممکن است اطلاعات نادرستی در اختیار ما قرار دهد. آن‌ها معتقدند که ترازنامه تصویر یک لحظه از زمان شرکت را نشان می‌دهد که عموماً نیز مربوط به گذشته است، پس نمی‌تواند ابزار معتبر و قابل اتکایی را برای عملکرد آتی شرکت فراهم آورد. مدل‌های غیر پولی تصویر جامع‌تری از سرمایه‌ی فکری ارائه می‌دهند. آنها اندازه‌گیری و گزارشگری سرمایه‌ی فکری را در قالب ابزاری مکمل صورت‌های مالی و ترازنامه‌ی شرکت پیشنهاد می‌کنند تا بتواند اطلاعات مفیدتر و قابل اتکاتری را برای استفاده کنندگان فراهم آورد. برخی از این مدل‌ها به شرح زیر می‌باشند.:

۱- هوش سرمایه‌ی انسانی (HCI): این مدل که در سال ۱۹۹۴ توسط جک فیتز – انز ارائه شد مجموعه‌ای از شاخص‌های سرمایه‌ی فکری گردآوری شده را از طریق یک پایگاه داده الگوبرداری نمود (همانند روش حسابداری و بهایابی منابع انسانی). جک فیتز معتقد است زمانی که هزینه‌ی نیروی انسانی بیش از ۴۰ درصد هزینه‌های سازمان را تشکیل می‌دهد، اندازه‌گیری سرمایه‌ی انسانی را ضروری می‌سازد. وی مدعی است که وظایف بخش نیروی انسانی در یک سازمان بایستی فراتر از مواردی نظیر جذب، آموزش و جبران خدمت باشد، بلکه باید به عنوان یک شریک استراتژی در موضوع های اساسی و زیر بنایی مشارکت نماید.

۲- راهبر یا هدایت کننده‌ی اسکاندیا (SN): این مدل در سال ۱۹۹۷ توسط ادینسون و مالون ارائه شد. اسکاندیا یک شرکت خدمات بیمه‌ای در سوئد بود که به عنوان اولین شرکت از این مدل استفاده نمود و ضمن آن که دارایی‌های دانشی خود را اندازه‌گیری نمود، آن‌ها را در قالب ضمیمه‌ای به گزارش‌های حسابداری سنتی افزود. در مدل اسکاندیا علاوه بر ۷۳ معیار سنجش استاندارد، ۹۱ معیار سنجش فکری برای اندازه‌گیری در پنج حوزه‌ی مالی، مشتری، فرآیندی نوسازی (توسعه) و انسانی استفاده شد.

ادوینسون و مالون درطرح ارزش اسکاندیا، سرمایه‌ی فکری را در دو جز شامل سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی ساختاری ارائه کردند. در این الگو از سرمایه‌ی انسانی؛ می‌توان به مهارت، خلاقیت، توانایی فردی، فلسفه، فرهنگ و اعتبار سازمانی اشاره کرد و سرمایه‌ی ساختاری نیز به سخت افزار، نرم افزار، پایگاه‌های اطلاعاتی، ساختار سازمانی، حق ثبت‌ها، اختراع‌ها، مارک‌های تجاری و.. اشاره دارد.

اسکاندیا به عنوان اولین شرکتی بزرگی است که به طور مستقیم اقدام به اندازه‌گیری دارایی‌های دانشی خود نموده است. اسکاندیا اولین بار گزارش سرمایه‌ی فکری خود را در سال ۱۹۸۵ به صورت گزارش های داخلی (درون سازمانی) ارائه نمود و در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار گزارش سرمایه‌ی فکری را ضمیمه‌ی صورت‌های مالی سنتی نمود و برای استفاده‌کنندگان افشا نمود.

مدل اسکاندیا که توسط ادوینسون پیشنهاد به شرح زیر است :

در این تقسیم بندی ادوینسون سرمایه فکری را به دو دسته شامل سرمایه انسانی و سرمایه ساختاری تقسیم نموده است ، که البته همانطور که مشاهده می شود برای سرمایه ساختاری نیز تقسیم بندی های دیگری وجود دارد ، همچنین توسط اندیشمندان دیگر نیز تقسیم بندی هایی برای سرمایه فکری ارائه شده است که در یکی از مدل های پیشنهادی از مدل اسکاندیا استفاده شده و فقط سعی در اندازه گیری دو بخش اصلی سرمایه فکری یعنی سرمایه انسانی و سرمایه ساختاری شده است .

3- شاخص سرمایه فکری ( Ic-Index) : این مدل در سال 1997 توسط دراگونتی و ادوینسون ارائه شد . آنها سعی در یکی کردن اندازه ها در قالب یک شاخص واحد داشتند ، این مدل که توسعه یافته مدل اسکاندیا است ، ارتباط مستقیمی با تغییرات بازار دارد . شاخص سرمایه فکری بر خلاف سایر مدل ها که سعی در ارزیابی بخش های جداگانه سرمایه فکری دارند ، قصد دارد بخش های مختلف را یکی نماید . تغییرات در این شاخص تابعی از تغییر در ارزش بازار شرکت است . این شاخص عملکرد گذشته را مورد توجه قرار می دهد و بسیار مفهومی و تخصصی است و شاید همین به عنوان یک ایراد مطرح شود که باعث شده است کمتر مورد استفاده و توجه قرار گیرد .

4- نمایش گر دارایی های نامشهود ( IAM ) : این مدل در سال 1997 توسط سویبی ارائه شد . سویبی به نوع دارایی نامشهود که حاصل اختلاف بین ارزش دفتری و بازار شرکت بود را تعریف نمود . آنها شامل ساختار خارجی ( مارک تجاری ، ارتباطات مشتری و تامین کننده ) ، ساختار داخلی ( مدیریت ، قانون ، نظام مندی ، رویه ها و نرم افزار ها ) و شایستگی فردی ( تجربه ، تحصیلات ، شایستگی ها و لیاقت ها ) می باشد و بر اساس یافته های وی چهار سنجه ی اصلی ترکیب کننده ی دارایی های نامشهود ؛ رشد ، نوآوری ، کارآیی و پایداری می باشد . این مدل ترمکز اصلی اش روی سرمایه انسانی است و بقیه موارد از جملات ارتباطات و ساختار سازمانی را زیر مجموعه های سرمایه فکری می داند و معتقد است که سایر جنبه ها در فعالیت های انسانی مستمر است .

5- کارت امتیازی متوازن ( BS ) : این مدل در سال 1992 که توسط کاپلان و نورتون ارائه شد ، اندازه گیری کارآیی و عملکرد شرکت را از دیدگاه مالی و غیرمالی و با در نظر گرفتن چهار عامل اصلی شامل بعد مالی ، بعد مشتری ، بعد ساختار داخلی و بعد یادگیری مورد بررسی قرار دارد . چنانچه چهار بعد عنوان شده مورد توجه قرار گیرند ، می توانند باعص افزایش کارآیی شرکت شوند . به طوری که بعد های عنوان شده به ترتیب مزایای مالی ، مزایای مربوط به مشتری ، مدیریت زنجیره ی ارزش ، هدایت و توسعه ی انسانی که برای ایجاد شرکت خواهند نمود . هر چند که کاپلان و نورتون زمانی که این مدل را ارائه نمودند ، بحثی در مورد سرمایه ی فکری مطرح نکردند ، ولی مشاهده می شود که به خوبی در این مدل به عوامل سرمایه فکری اشاره شده است .

# **مروری بر ادبیات سرمایه فکری**

پژوهش بونتیس[[3]](#footnote-3) در کانادا و پزوهش های بونتیس و همکارانش در مالزی نشان داد،بین عناصر سرمایه فکری (انسانی،ساختاری و مشتری) با عملکرد صنایع همبستگی مثبتی وجود دارد.سرمایه انسانی صرف نظر از نوع صنعت بر عملکرد شرکت اثر دارد. سرمایه ساختاری با عملکرد مالی رابطه مثبت دارد.اهمیت سرمایه فکری در آن است که ارزش بازار و قیمت سهام شرکت ها فقط به دارایی مشهود بستگی ندارد،بلکه به دارایی های نامشهودی مانند سرمایه فکری نیز وابسته است به عنوان مثال یافته های لیو نشان داد که حدود 80% از ارزش بازار شرکتها تحت تأثیر ارزش بازار دارایی های نامشهود است.

 فایرر و ویلیامز(2003)[[4]](#footnote-4) در تحقیق خود بر روي 75 شرکت در آفریقاي جنوبی، روش ارزش افزوده فکري را دربررسی بین روابط سرمایه فکري با معیارهاي سنتی عملکرد از جمله:سودآوری(بازده دارایی)، بهره وری (گردش کل دارایی ها)و ارزش بازار(نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری) به کاربردند،ولی نتایج آنها در این زمینه به شکست انجامید.

ریاحی بلکویی(2003) [[5]](#footnote-5) به بررسی تاثیر سرمایه فکري بر عملکرد شرکت هاي چندملیتی آمریکایی به سنجش سرمایه فکري و نسبت ارزش افزوده به کل داراییها را به عنوان معیاري براي سنجش عملکرد شرکت در نظر گرفت ،که نتایج بیانگررابطه مثبت بین این دو متغیر انجامید.

چن (2005)[[6]](#footnote-6) به بررسی روابط بین کارایی ارزش ایجادشده درشرکت و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري به منظور کشف تاثیر سرمایه فکري بر ارزش بازار وعملکرد شرکت در تایوان پرداخت. که نتایج تحقیق و بررسی ایشان علاوه بر اثبات روابط بین سرمایه فکري و عملکرد مالی وارزش بازار، نشان می دهد که سرمایه گذاران ممکن است ارزش هاي متفاوتی براي اجزاي خلق کارایی فیزیکی، انسانی، ساختاري قائل شوند.

 ادوینسون و مالون(2008) [[7]](#footnote-7) معتقدندسرمایه فکري بنیان هاي ارزش در سازمان هستند و بالاتر ازدارایی هاي مشهود و سهام، از عوامل نامشهود ایجادکننده ارزش در سازمان هستند.

اریکسون و رتنبرگ(2009)[[8]](#footnote-8) به بررسی سرمایه فکري در بازار پرداختند که آنها با به کارگیري شاخص کیوتوبین به عنوان معیار سنجش سرمایه فکري، رابطه سرمایه فکري را با مدیریت دانش بررسی مورد قرار دادند.

کمپل و عبدالرحمان(2010)[[9]](#footnote-9) یکی از چالش هاي گزارشگري شرکت ها مربوط بودن و مفید بودن اطلاعاتی است که ارائه میدهند. با تغییر ماهیت محیط تجاري به اقتصاد رقابتی وتغییر منابع مختلف خلق ارزش، مفید بودن گزارشگري سنتی در واحد تجاري تغییر کرده است و اثبات شده است که رقابت در اقتصاد جدید، باتکیه بر دارایی هاي دانش محور مثل دانش انسانی، نوآوري، تکنولوژي و اطلاعات است.

آلکانیز وهمکاران(2011)[[10]](#footnote-10) معتقدند زمانی که مدیریت سازمان ازمنابع نامشهود خود آگاه نباشد ممکن است فرصتهاي اقتصادي براساس منابع نامشهود را از دست بدهدچرا که در این حالت مدیران، تصمیمات کلیدي رابدون در نظر گرفتن متغیرهاي ممکن گرفته اند.

مدیتینس وهمکاران(2011)[[11]](#footnote-11) از روش بلکویی (2003) در محاسبه ضریب ارزش افزوده فکري استفاده نمودند و در بررسی اثر سرمایه فکري بر ارزش بازار سهام96شرکت در آتن در دستیابی به نتایج در خصوص تاثیر کارایی اجزاي سرمایه فکري بر عملکرد مالی وارزش بازار تنها وجود رابطه معنادار بین کارایی سرمایه انسانی و عملکرد مالی را اثبات نمودند.

سوفیان وهمکاران (2011)[[12]](#footnote-12) در تحقیقی به منظور افزایش و بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری درباره ی مربوط بودن سود از طریق به رسمیت شناختن سرمایه فکری، که میتواند منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش تمایل سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در شرکت و در نهایت امر منجر به کاهش هزینه ی حقوق صاحبان سهام گردد،پرداختند.

آهنگر(2012) [[13]](#footnote-13) در تحقیقی به بررسی تأثیر سرمایه فکری و اجزای آن که شامل : سرمایه انسانی، ارتباطی و ساختاری است با عملکرد مالی شرکتها پرداخته است. نتایج حاصل ازتحقیق ایشان بیانگر این است که بین سرمایه فکری و اجزای تشکیل دهنده آن و سودآوری، بهره وری کارکنان و رشد فروش به عنوان شاخص های عملکرد مالی شرکتها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

گماریز وبالستا (2013)[[14]](#footnote-14)کیفیت اطلاعات حسابداری به واسطه سرمایه فکری میتواند کارایی سرمایه گذاری را از طریق فراهم آوردن امکان اتخاذ تصمیم های بهتر برای مدیران و شناسایی بهتر پروژه ها و ارائه ی هرچه بهتر ارقام حسابداری صادقانه به منظورتصمیم گیری داخلی کمک نماید.

هارتمن و همکاران (2014)[[15]](#footnote-15) ادغام پیچیدگی اقتصادی و سرمایه فکری نشان داده است. آنها با استفاده از شاخص سرمایه فکری (سرمایه انسانی سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه ای) همراه با پیچیدگی های اقتصادی ساخت، شاخص قابلیت نوآوری در سطح ملی است که به نوبه خود شاخص برای کامیابی آتی است.

سومدری(2014)[[16]](#footnote-16)در تحقیقی به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد شرکتها با استفاده از مدل ضریب ارزش افزوده فکری که دریک دوره بحرانی است،می پردازد.که نتیجه حاصل ازاین تحقیق نشان میدهد که سرمایه ساختاری و سرمایه انسانی یکی از عوامل مهم در توسعه شرکتها به شمار میرود،درحالی که سود آوربودن شرکتها تحت تأثیر سرمایه مالی آنها قرار دارد.

عبیدات وهمکاران(2016)[[17]](#footnote-17) بانگاهی به تاریخ کار قبلی ازمحققان متعددی میتوان نتیجه گرفت که سه موضوع ازاهمیت بیشتری برخوردار به سازمان در طول این دوران دشوار است.این خدمات عباذتند از:سرمایه های مدیریت دانش ونو آوری و فکری که دراین مقاله امروز درعصر دانش زندگی می کنند. رابطه سرمایه می تواند به عنوان یک دارایی نامشهود که در ایجاد و حفظ روابط با افراد، گروه ها و سازمانهایی که کسب وکار را تحت تاثیر قرار میدهد تعریف میکند. شاید مهمترین فرآیند مدیریت دانش کاربرد دانش است.این بخاطر این واقعیت است که ارزش هر دو دانش سازمانی را تنها میتوان از طریق اندازه گیری کرد.

رینولدز وهمکاران(2017)[[18]](#footnote-18) پیچیدگی اقتصادی در اقتصادتحت تاثیر رابطه سرمايه،بعنوان مثال: گرایش های فرهنگی به همکاری،تاچه حد که شرکت در زنجیره ارزش جهانی شرکت میکنند, که تاچه حد شرکتهایی هستند که در فعالیتهای صادرات ،شبکه درگیر و تراکم اثرات اقتصادی با توجه به تراکم عوامل اقتصادی وغیره ،به عنوان مثال :موسسات ، ساختار سازمانی و ثبات، چشم انداز سیاست و قابل پیش بینی از این چشم انداز، اطلاعات در دسترس، و غیره ،.باتوجه به مشکل در گرفتن این دو شکل از سرمایه آنها درمدل سازی های پیچیدگی اقتصادی محسوب نمی شوند، و از این رو پیچیدگی مدل سازی اقتصادی تنها می تواند حدود 70 درصد از توسعه رفاه (یا تحول اقتصادی) در اقتصاد را به عنوان یک اقدام توضیح میدهد.

آپوهامی تأثیر ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری را بر قیمت سهام بورس تایلند بررسی کرد.نتایج نشان داد، بین سرمایه فکری شرکتها با افزایش قیمت سهام آن ها رابطه معناداری وجود دارد. چین چن و همکارانش رابطه بین سرمایه فکری و ارزش بازار سهام و عملکرد مالی شرکتهای بورس تایوان را بررسی کردند.آن ها مدل ارزش افزوده سرمایه فکری پالیک را معیار اندازه گیری سرمایه فکری به کار بردند و با اجرای مدل رگرسیون نشان دادند،سرمایه فکری بالاتر شرکتها موجب بهبود عملکرد مالی و افزایش ارزش بازار سهام شرکتها می شود.

نمازي و ابراهیمی (1388)در تحقیقی روش پالیک (2000)براي سنجش ارزش افزوده سرمایه فکري استفاده نموده وبه این نتیجه رسیدند که بین سرمایه فکري وعملکرد جاري و آینده شرکت هم در سطح کلیه شرکت ها و هم در سطح صنایع، رابطه مثبت ومعناداري وجود دارد.

تحقیقات مصطفایی (1389) ومهرانی(1389)که همگی حاکی ازتاثیر مثبت سرمایه فکري بر عملکرد و ارزش بازاراست.

ثقفی و همکاران،(1391) یافته های تحقیق نشان می دهد که بخش عمده متغیرهای حسابداری مورد بررسی ، در تصمیمات تامین مالی شرکت های ایرانی، اطلاعاتی مربوط به حساب می آیند.

نمازی و قدیریان آرانی(1393)در طی پژوهشی به ارتباط بی سرمایه فکری و اجزای آن با خطر ورشکستگی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد آزمون قرار دادند. برای اندازه گیری متغیر ریسک ورشکستگی از مدل آلتمن و برای اندازه گیری سرمایه فکری و اجزای آن از مدل پالیک استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین سرمایه فکری و ریسک ورشکستگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

سید کاظم ابراهیمی وصادق سربازی آزاد(1395) به بررسی اثر تعاملی سرمایه فکری واجزای آن پرداختند،که بدین منظور 105 شرکت را مورد بررسی قرار دادند که نتایج حاصل از آن نشاندهنده ارتباط معناداری بین سرمایه فکری با ارزش آن می باشند.

# **نتیجه گیری**

سرمایه هاي فكري، دارايي هاي نامشهودي هستند كه باعث خلق ارزش براي واحدهاي تجاري مي شوند و يكي از عوامل اصلي در ايجاد مزيت رقابتي براي شركتها هستند، تا آنجايي كه ادوينسون مغز نامرئي را جايگزين استعاره معروف آدام اسميت از بازار يعني دست نامرئي كرده است، ولي در ترازنامه و ساير صورتهاي مالي جايي ندارند. با توجه به ارزشمند بودن اين دارايي ها، اندازه گيري، شناخت و كنترل آنها مي تواند ايراد حسابداري رايج يعني عدم گزارشگري و انعكاس سرمايه هاي فكري را مرتفع سازد و با مشهود كردن اين دارايي ها مي توان تحولي عظيم در نظام مديريت شركتها را شاهد بود. در اين راستا در اين مقاله اجزاي تشكيل دهنده و تعاريف مختلف سرمايه فكري و دلايل اندازه گيري اين دارايي ها بحث و بررسي شدبا بكارگيري و استفاده مدلها، شاهد انعكاس سرمايه هاي فكري در ترازنامه و اظهارنامه و صورتهاي مالي واحدهاي تجاري باشيم.به منظور شناسایی سرمایه های فکری نیاز به کمی نمودن مفاهیم کیفی و ضرورت اندازه گیری به جهت گزارشگری آن مورد توجه قرار گرفت ، مدلها و الگوهای مختلف برای اندازه گیری سرمایه های فکری ارائه و عنوان شد و در پایان تمرکز بر تحقیقات انجام شده ، اهمیت و ضرورت سرمایه های فکری را بیش از پیش نمایان نمود.توجه و تمرکز بر سرمایه های فکری در سازمان ها و شرکتها یکی از حلقه های اساسی زنجیره ارزش در راستای خلق ارزش می باشد ، اندازه گیری و افشای صحیح سرمایه های فکری مدیران و ذینفعان را نسبت هدایت سازمان موفق می نماید .سرمایه های فکری و اعتلای آن در سازمان می تواند خلق ارزش را در راستای استراتژی های رقابتی شرکت قرار داده و مزیت رقابتی خاص را برای سازمانها و ارگانها فراهم آورد .

***منابع فارسی:***

1. ابراهیمی، سید کاظم و سربازی آزاد،صادق(1395). بررسی اثر تعاملی سرمایه فکری وکارایی سرمایه گذاری بر ارزش شرکت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی سال 13-شماره 51- پائیز 1395-صفحات 153تا 176.
2. اسدی، غلامحسین و یوخنه القیانی، ماریام (1393). "بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکتها"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ش 41 ، ص103-83.
3. آذر، عادل و منصور مؤمنی، (1385)، «آمار و کاربرد آن در مدیریت»، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
4. انواری رستمی، علی اصغر و حسن سراجی، (1384)، سنجش سرمایه فکری و بررسی رابطه میان سرمایه فکری و ارزش بازار سهام شرکت های بورس اوراق بهاردار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره 39، ص 62-49.
5. رهنمای رود پشتی، فریدون و هدی همتی، (1388)، «بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با متغیرهای نوین سنجش عملکرد مبتنی بر ارزش آفرینی»، مطالعات مالی، شماره 2، ص 134-111.
6. مصطفایی پرستو و سیدمهدي طباطبایی(1389) بررسی تجربی ارتباط سرمایه فکري با ابعاد مختلف عملکرد شرکت هاي پذیرفته شده دربورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
7. مجتهد زاده، ویدا، (1381)، «نقش حسابداری مدیریت در انعکاس سرمایه فکری» مجله حسابدار، سال هفدهم، شماره ی 152.
8. نمازی، محمد و قدیریان آرانی، محمد حسین (1393). "بررسی رابطه سرمایه فکری واجزای آن با خطر ورشکستگی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادارتهران"، فصلنامه پژوهشهای تجربی حسابداری، ش11،ص141-115.
9. نمازي، محمد و شهلا ابراهیمی(1388)."بررسی تاثیر سرمایه فکري بر عملکرد مالی جاري و آینده شرکت هاي پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" ، پایان نامه کارشناسی ارشددانشکده اقتصاد دانشگاه شیراز.
10. همتی، حسن ، محمود معین الدین و مریم مظفری شمسی ، (1389)، «بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت های غیر مالی»، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال دوم، ص 48-23.

***منابع لاتین:***

1. *Alcaniz, L; Gomez-Berares, F; Roslender,R. (2011). "Theorical perspectives on intellectual capital: A backward look aproposal for going forward", Journal of accounting forum, vol.35, pp 104-117.*

*2. Ahangar, R. G. (2011). The relationship between intellectual capital and financial performance: An empirical investigation in an Iranian company.African Journal of Business Management, 5(1), 88-95.*

*3. Barney, J, B. (1991), "Firm Resources and Sustainable Competitive Advantage", Journal of Management, Vol 17, No.1,PP. 99-120.*

*4. Baum Joel A.C, Silverman, Brian S. , (2004), “Picking winners or building them?, Alliance, Intellectual, and human capital as selection criteria in venture financing and performance of biotechnology startups”, Journal of Business venturing 19, p411-436*

*5. Bontis, N. , Crossan, M. and Hulland, J. (2002), “Managing an Organizational Leaning System by Aligning stocks and Flows”. Journal of management studies, vol. 39, No. 4. June, pp.437-466.*

*6. Bontis, N., Dragonetty, N.C., Jacobsen, k. and Roos, G. (1999), "The knowledge toolbox: a review of the tools available to measure and mange intangible resources", European Management Journal, Vol. 17, No. 4,PP. 391-402.*

*7. Brooking, A. (1996), "Intellectual Capital", International Thompson Business Press, London.*

*8. Brooking, A. (1996), "Intellectual Capital: Core Assets for the Third Millennium & Enterprise", London, Thomson Business Press.*

*9. Campel, D and mara Ridhun AdualRahman. (2010), "A longitudinal examination of intellectual capital reporting in market & spencer annual reports,1978-2008", Vol.42, pp 56-70.*

*10. Chen, J., Zhu, Z. and Xie. H.Y(2004). “Measuring intellectual Capital: a New Model and Empirical Study”, Journal of intellectual capital. Vol5, No 1.pp.195-122.*

*11. Dechow, Patricia M. , (1994), “ Accounting Earning and Cash flows as Measures of Firm Performance: The Role of Accounting Accruals”. Journal of Accounting and Economics 18:3-42.*

*12. Edvinsson, L. and Sullivan P, (1996). “Developing a Model for Managing Intellectual Capital”, European Management Journal, Vol. 14, No. 4, pp 356-64.*

*13. Gomariz, M. F. C., & Ballesta, J. P. S. (2014). Financial reporting quality, debt maturity and investment efficiency. Journal of Banking & Finance, 40, 494-506.*

*14. Garcia- Meca, Emma, and Isabel, Martinez, (2007), “the use of intellectual capital information in investment decisions an empirical study using analyst reports”, The international Journal of Accounting 42, pp. 57-81.*

*15. Hartmann, E.A., von Engelhardt, S., Hering, M.,Wangler, L. and Birner, N. (2014), “Der iit-Innovationsfähi gkeitsindikator”, Small Business Economics, Vol. 8 No. 3, pp. 249-258.*

*16. Hong pew Tan, David Plowman and Phil Hancock, (2007), “Intellectual capital and financial returns of companies, The Graduate School of Management”, university of western Austalia, Crawley, Australia, The current issue and full text archive of this journal is, journal of intellectual capital, Vol. 8, No. 1, pp 76-95.*

*17. Joia, L. A. (2000), “Measuring intangible corporate assets linking business strategy with intellectual capital”, Journal of intellectual capital, Vol1, N1 pp68-84.*

*18. Obeidat, B.Y., Al-Suradi, M., Masa’deh, R. and Tarhini, A. (2016) ‘The impact of knowledge management on innovation: an empirical study on Jordanian consultancy firms’, Management Research Review, Vol. 39, No. 10, pp.23–39.*

*19. Reynolds, C., Agrawal, M., Lee, I., Zhan, C., Li, J., Taylor, P., Mares, T., Abedin, F., Morison, J., Angelakis, N. and Roos, G. (2017), “A sub-national economic complexity analysis of Australia’s states and territories”, Journal of Economic Geography, pp. 1-12.*

*20. Roos, J. Ross, G, Dragonetti, N.C. , Edvinsson, L. (1997), “Intellectual Capital: Navigating in the new business landscape”, London: Macmillan press L td.*

*21. Rudez, Helena Nemec and Mihalic , Tanja, (2007) “Intellectual Capital in the hotel industry: A case study from Slovenia”, Hispitality management 26,pp 188-199.*

*22. Sumedrea, S. (2014). Intellectual capital and firm performance: a dynamic relationship in crisis time. Procedia Economics and Finance, 6, 137-144.*

*23. Shen Tai, Wei and Chen , Chen –Tung (2008), “a new evaluation model for intellectual capital based on computing with linguistic variable”, Contents Lists available at science Direct Expert Systems with Applications, journal homepage: www.elsevier.com/locate/eswa*

*24. Stewart, T. A. (1997).” Intellectual Capital: the new wealth of Nations” , Doubleday Dell Publishing Group, NewYourk, NY.*

*25. Sveiby , K. E. ,(1985).”The Invisible Balace Sheet, English Translation of the Book Osynliga Balancsrakingen”. Available on line:* [*http://www.sveiby.com*](http://www.sveiby.com)

*26. Tunc, F., Bozbura, Ahmet, Beskese (2007), “Priritization of organizational capital measurement indicators using fuzzy AHP”, international*

1. نویسنده مسئول - دانشجوی ارشد حسابداری موسسه غیرانتفاعی حکیم ناصرخسرو ساوه - [↑](#footnote-ref-1)
2. **کارشناس هنر های تجسمی – دانشگاه شهید شرافت تهران-**  [↑](#footnote-ref-2)
3. -Bontiss. [↑](#footnote-ref-3)
4. 2- Firer and Williams. [↑](#footnote-ref-4)
5. 3- Riahi-Belkaoui. [↑](#footnote-ref-5)
6. 4- Chen. [↑](#footnote-ref-6)
7. 5- Edvinsson & Malone [↑](#footnote-ref-7)
8. 6- Ericson & Rotenberg. [↑](#footnote-ref-8)
9. 7- Campel & Adual Rahman.

8- Alcaniz et al.

9- Maditinos et al. [↑](#footnote-ref-9)
10. 10- Sofian et al. [↑](#footnote-ref-10)
11. [↑](#footnote-ref-11)
12. [↑](#footnote-ref-12)
13. [↑](#footnote-ref-13)
14. [↑](#footnote-ref-14)
15. 11- Ahangar.

12- Gomariz & Balista

13- Hartmann et al. [↑](#footnote-ref-15)
16. 14- Sumedrea.

15- Obeidat. [↑](#footnote-ref-16)
17. [↑](#footnote-ref-17)
18. 16- Reynolds et al [↑](#footnote-ref-18)